

پشت بوم

بیشتر فرهنگ کمتر ارشاد



حسین هاشم‌پور

● رئیس‌جمهور در پاسخ به استعفای علی جنتی نوشته است: «اختیارات و امکانات وزارت ارشاد در حوزه فرهنگ، تناسبی با مسئولیت و توقعات جامعه از آن ندارد.» سه‌شنبه پیش این ستون همین واقعیت را متذکر شد؛ قریب به دو دهه پیش، جامعه هنری از همین منظر خواهان تغییر نام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به وزارت فرهنگ و هنر و در ادامه، طرح جداکردن دو سازمان اوقاف و امور خیریه و حج و زیارت با هدف تمرکز بر هنر شده بود.

یک: در سایه پسوند «ارشاد اسلامی»، قرار است این وزارتخانه اهالی فرهنگ و هنر را ارشاد کند یا اینکه اهالی فرهنگ و هنر، جامعه را هدایت کنند؟ به گمانم حق با تئوریسین‌هایی است که معتقدند تعاریف از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بر مبنای دهه ۶۰ است و با تغییر زمانه و نظرداشت مؤلفه‌های امروز، باید کرانه‌های عمیق‌تری را هدف‌گذاری کرد.

دو: اگر در بدو انقلاب، برای اطمینان‌بخشی به جامعه، تغییر نام وزارت فرهنگ و هنر ضروری بود. اکنون در دهه چهارم و خدمات شایان توجه هنرمندان به آرمان‌های انقلاب، وقت آن است که زاویه نگاه به امورات آنها، حرفه‌ای شود و وزارت فرهنگ دارای اختیارات و مسئولیت‌های متوازن باشد.

سه: فرهنگ و هنر در دنیای امروز، ابزار بنیادین توسعه است؛ کشورهای پیشرفته ابتدا محصولات هنری خود را به دنیا عرضه می‌کنند و سپس برای کالاهای اقتصادی و مقاصد سیاسی‌شان، بازاربایی می‌کنند. جای افسوس است در کشور ما تنها وزارتخانه‌ای که قرار است تخصصی به اشاعه هنر بپردازد، گرفتار بوروکراسی‌های عریض و طویل است؛ آن‌قدر سرش در دعواهای داخلی شلوغ است که فرصت اندیشیدن به مباحث راهبردی را ندارد.

چهار: گمانه‌زنی‌های دیگری هم در جامعه هنری زمزمه می‌شود: «کوچک‌شدن و بسیار کوچک‌شدن وزارت فرهنگ»؛ اهالی فرهنگ و هنر از نویسنده تا ناشر، فیلم‌ساز، موزیسین، نقاش تا تهیه‌کننده و کاری‌دار، بیش از کارشناسان وزارت ارشاد، خط قرمزها و پایدها و بنیادها را می‌شناسند و این در حالی است که بودجه ناچیز این وزارت، به‌جای تأمین زیرساخت‌های مبرم، مانند ساخت سالن‌های تخصصی، صرف حقوق کارمندان می‌شود. در عصر حاضر باید مطالعه کرد و دید کشورهایی که بازارهای هنری دنیا را به تسخیر خود درآورده‌اند، به چنین بن‌بست‌های اداری تن داده‌اند؟ الگوهای جهانی از کوچک‌شدن نقش دولت در عرصه فرهنگ و هنر و حضور پررنگ نهادها، انجمن‌ها و اصناف هنری می‌گویند، آنها هستند که موازنه مدنظر حاکمیت را برقرار می‌کنند و سالیان درازی است این بار را از دوش دولت برداشته‌اند.

پنج: هرچند گزاره‌های اشاره‌شده در حد گمانه است؛ اما این انتظار وجود دارد که روند حرکتی وزارت فرهنگ، به‌گونه‌ای باشد تا مخاطب احساس کند تحولات روز دنیا را در نظر دارد... این شاید مهم‌ترین مأموریت مردی است که بر وزارت فرهنگ تکیه خواهد زد.

جاری‌چی

نمایش «رستاخیز» برای مدیران

● شرق: صدا و سیما یکشنبه، دوم آبان در یک اکران خصوصی فیلم «رستاخیز» احمدرضا درویش را برای مدیران خود به نمایش گذاشت. در این اکران خصوصی که حدود ۲۰۰ نفر از مدیران صداوسیما دعوت شده بودند، نسخه جدیدی از فیلم در پردیس ملت نمایش داده شد.

ییسروز ارجمندتاج‌الدینی، موسیقی‌شناس قومی، آهنگ‌ساز، نوازنده نی، سه‌تار، تنبک و دف است. از دی ماه ۹۲ تا تیر ۹۴ مدیر کل دفتر موسیقی وزارت ارشاد بود. بنابراین لازم دانستیم با مدیری گفت‌وگو کنیم که در دوران مدیریتش نزدیک به سه هزار کنسرت برگزار کرد که فقط پنج یا شش مورد آن لغو شد.

۴ ما نسبت به سال ۸۸ به رشد پنج برابری در برگزاری کنسرت‌های موسیقی رسیده‌ایم، این رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر نسبت به ۸۸ به پنج برابر رشد روبه‌رو شده‌ایم، این نتیجه رشد واقع‌بینانه جامعه است. این رشد صعودی بیانگر نیاز جامعه جوان ایرانی به موسیقی است که رشد واقع‌بینانه‌ای است. در واقع در آن دوران ما با محدودیتی در بهره‌مندی از بسیاری از جنبه‌های لازم در کشورمان مواجه بوده‌ایم که کشورهای دیگر بسیار برای آن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرده‌اند. آنها علاوه بر کنسرت، برنامه‌های دیگری نیز برای شادی و تفریح جوانان دارند اما در ایران سالم‌ترین برنامه تفریحی و شاد همین برگزاری کنسرت‌هاست که برای یک جامعه پویا و در حال‌سازندگی امری ضروری نیز هست.

۴ اما در قیاس با گذشته نیز شاهد بالا رفتن میزان لغو کنسرت‌ها نیز هستیم، این چه دلایلی دارد؟

دلایل به شرکت‌های برگزاری کنسرت موسیقی شرایط درون‌صنفی و گروه‌ها برمی‌گردد و بخشی از این دلایل هم مرتبط است با دلوایس‌ها و افراد مشخصی که در این سال‌ها کمتر شده‌اند. اما دلیل عمده به این قضیه برمی‌گردد که ما کشوری اسلامی با باورها و شان و عرف مشخص داریم و در سالن‌های برگزاری کنسرت‌ها با رفتارهایی مواجه می‌شویم که موردپسند نیست و با سازوکار قواعد عرفی جامعه اسلامی ما هم‌خوانی ندارد. به‌خصوص در شهرهای کوچک‌تر این نابهنجاری‌ها از سوی مخاطبان بیشتر است و نه کسانی که کنسرت‌ها را طراحی و اجرا می‌کنند.

۴ اشاره به شرکت‌ها کردید؛ چگونه می‌شود این شرکت‌ها را در جهت ساماندهی درست‌تر کنسرت‌ها تجهیز کرد؟

باید بپذیریم که صنعت موسیقی در ایران هنوز اصول و قواعد خودش را دارد که بر اساس آن نیز کنسرت برگزار می‌شود. اما در حال‌حاضر افرادی از حرفه‌های دیگر مثل دلارفرشی و ساخت‌وساز، به دلیل درآمدزاییون کنسرت به این سو آمده‌اند و حتی خود را کارشناس برگزاری

شرق: حاشیه‌های سریال شهرزاد، تمامی ندارد. بعد از خبر بازداشت سیدمحمد امامی و آمدن نام او در اختلاس هشت هزار میلیارد تومان؛ حالا خبر می‌رسد تهیه‌کننده «شهرزاد» فقط امامی نبوده و آن‌طورکه یک نماینده مجلس گفته، همسر مدیرعامل بازداشت‌شده صندوق فرهنگیان هم به‌عنوان تهیه‌کننده در این پروژه حضور داشته است.

صفت خطا نکرده است

هفته پیش حسین پارسایی، مدیرکل «دفتر نمایش خانگی، مستند و کوتاه» سازمان سینمایی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره چگونگی حضور امامی در مقام سرمایه‌گذار این سریال صحبت و تأکید کرد که او دارای کارت تهیه‌کنندگی از کانون تهیه‌کنندگی فیلم ایران و مجاز به فعالیت در این عرصه بوده. او در بخشی دیگر از صحبت‌هایش گفت: «ما مسئولیت حاکمیتی نسبت به سینما و نمایش خانگی داریم و مسائل صنفی به اصفاف مربوط می‌شود. آقای امامی از طرف صنف مربوطه کارت تهیه‌کنندگی دارد. سریال «شهرزاد» قبل از اینکه به کسی یا جایی تعلق داشته باشد، به مردم تعلق دارد. اینکه چه کسی این سریال را و با چه پولی تهیه کرده مهم است، اما از نظر ما حد و حدود قانونی برای انجام این پروژه رعایت شده؛ بعد از این هر اتفاقی بیفتد، مسئله بعدی است. ما پیش‌دآوری نمی‌کنیم و تابع مراجع ذی‌ربط هستیم، کسی را هم مقصر و تیره نمی‌کنیم». حالا خبرگزاری خانه ملت که اختلاس هشت‌هزارمیلیاردی امامی را برای اولین‌بار افشا کرد، از به‌میان‌آمدن پای سرمایه‌گذاری دیگر در این سریال خبر می‌دهد. در یکی، دو روز گذشته، فرشته طائرپور، رئیس انجمن کارفرمایی تهیه‌کنندگان فیلم تهران (اکت)، در متنی که در اختیار ایسنا گذاشته، درباره صدور کارت تهیه‌کنندگی به امامی واکنش نشان داده. در بخشی از این یادداشت می‌خوانیم: «تیرماه سال ۹۳،

گفت‌وگو با پیروز ارجمند، مدیرکل سابق دفتر موسیقی

با شیب ملایم کنسرت برگزار می‌کردیم

رضا آشفته



پیروز ارجمند نظر اول از راست، عکس: تسنیم

کنسرت نمی‌ی‌دانند اما اینها به دلیل ناآشنایی با قواعد و رعایت‌نکردن آنها بیشتر مواقع باعث مخاطراتی خواهند شد که به ضرر جریان موسیقی کشور است. یکی دیگر از این موارد که باز هم باعث آسیب‌رسانی به جریان موسیقی می‌شود، همانا نبودن سالن‌های استاندارد است.

۴ منظورات تأثیر سالن در ایجاد مخاطب است؟

بله، مخاطب وقتی به سالن استاندارد می‌مانند رودکی و وحدت پا می‌گذارد، می‌داند که برگزاری کنسرت قواعدی دارد و از آنها تبعیت می‌کند اما با حضور در سالن ورزشی که در آن چنین قواعدی به‌ظاهر الزامی نیست، شاهد رفتارهایی نابهنجار خواهیم شد که همین‌ها اسباب زحمت برای برگزاری کنسرت خواهد شد.

چون در آنجا پرستیز و قواعد رعایت نخواهد شد اما سالن ورزشی بزرگ‌تر است و مخاطب بیشتری جذب خواهد کرد و درآمدزایی بالاتر است اما از آن سو نیز رفتارهای غیرمعمول دردسرساز است.

۴ برای ایجاد این تالارهای مناسب چه باید کرد که

برای برگزاری کنسرت نیز مناسب باشند؟

در حال‌حاضر با توجه به اینکه دولت از بودجه کافی برخوردار نیست، بودجه‌ای برای سالن‌سازی نخواهد داشت اما بخش خصوصی نیز با بودن سالن‌های ورزشی تمایلی برای ایجاد سالن نخواهد داشت اما اگر این فرصت از آنان گرفته و برایشان تعریف‌های درست ارائه شود و به ایجاد سالن تشویق شوند، آن‌گاه شاهد سرمایه‌گذاری‌شان در این زمینه خواهیم بود. این‌گونه

در سرمایه‌گذاری فصل اول سریال «شهرزاد»

پای یک زن در میان بود

درخواست عضویت آقای محمد امامی، مانند هر درخواست دیگری در کمیته عضویت و هیأت‌رئیس «کانون...» مطرح شد و با توجه به سرمایه‌گذاری و تهیه‌کنندگی ایشان در پروژه‌های شاه‌گوش (به کارگردانی داوود میرباقری)، ابله (به کارگردانی کمال تبریزی)، روزی روزگاری عاشقی (به کارگردانی حسن فتحی)، که یک مورد از آنها تولیدش در آن تاریخ پایان یافته و وارد شبکه نمایش خانگی شده بود و دو مورد دیگر در آستانه یا میانه تولید قرار داشتند و همچنین دریافت جایزه‌ای با عنوان «بهترین تهیه‌کننده مجموعه‌های نمایش خانگی» از داوران یک مراسم سینمایی-ویدئویی، تصویب شد. تا جایی که من می‌دانم هیچ صنفی از صنف تهیه‌کنندگی، وارد مامیت سرمایه اعتضاییش برای تولید آثار نمی‌شود. این مطلبی است که مرجع رسیدگی به آن، جای دیگری است. آنچه برای صنف ما در آن تاریخ کفایت می‌کرد، حاصل فعالیت ایشان در پروژه‌هایی بود که مورد اشاره قرار گرفت. تجربه‌های بعدی نامبرده در امر ساخت سریال «شهرزاد» و همچنین فیلم سینمایی «ابد و یک روز» نیز نشان می‌دهد که صنف در تشخیص قابلیت ایشان، صرفاً برای تهیه‌کنندگی، خطا نکرده است.

تهیه‌کننده «شهرزاد» فقط امامی نبود

اما سرمایه‌گذار سوم «شهرزاد» کیست؟ تا پیش از این، امامی و رضوی به‌عنوان سرمایه‌گذاران این سریال معرفی شده بودند و نامشان در تیراژ

هنر

گفت‌وگو با پیروز ارجمند، مدیرکل سابق دفتر موسیقی

با شیب ملایم کنسرت برگزار می‌کردیم

۴ لطفا بیشتر توضیح دهید که چگونه موفق می‌شدید؟

با ارتباط مستمر با بزرگان و همکاری نیروی انتظامی و حل‌وفصل بسیاری از مسائل به شکل درون‌گروھی و ممانعت از رسانه‌ای‌شدن آنها کمتر فرصت می‌شد برای اینکه قوه قضائیه و دیگر نهاده‌ا گزارشی دریافت کنند و مانع از برگزاری کنسرت‌ها شوند.

۴ بالاخره این آسیب را می‌شناختید؟

من خودم در دانشگاه نیز درباره این آسیب‌شناسی موسیقی پژوهش کرده بودم و هم خودم و هم دانشجویانم درباره آنچه در زمان تولید تا اجرای موسیقی آسیب وارد می‌کرد، مطالعات لازم را انجام داده بودیم؛ بنابراین زمانی که مدیر دفتر موسیقی شدم، به‌سرعت به دنبال اصلاح قوانین و دستورالعمل‌هایی رفتم که در نهایت باعث شد آرامش و آسایش به جریان بیفتد و به نسبت دوره‌های قبل آرامش بیشتری به فضای موسیقی وارد شود.

۴ این حساسیت برگزاری کنسرت در مشهد و قم

ما در آن دوره حتی در قم و مشهد هم کنسرت برگزار می‌کردیم؛ البته به شکل بسیار محدود و با گرایش به موسیقی سنتی و بدون فروش بلیت و با برنامه پژوهشی و آموزشی که به جایی هم نرنخورد. ما در مشهد کنسرت بدون حاشیه و مشکل برگزار می‌کردیم. در حال‌حاضر این آسیب‌ها، حاصل نبود ارتباط و همسویی با نهاده‌ا و ائمه جمعه است؛ ما با توجه دقیق ائمه جمعه و برخی از مراجع به دنبال تعامل و شفاف‌سازی بودیم و این تبدیل به سیاست ارشاد شده بود که پیش از هر نوع درگیری و نابهنجاری ما به دنبال دفع موانع بودیم.

۴ نکته پایانی؟

درباره لغو کنسرت‌ها باید گفت ایران جامعه چندفرهنگی است و طبیعتاً به این نسبت نیز قواعد عرفی متفاوت و به نظرم درخورتمال است که در صدور مجوز کنسرت‌ها برای شهرهای خاص باید ظرفیت‌سنجی شود و متناسب با ضرورت‌ها به دنبال اجرای کنسرت باشیم. الان برخی گروه‌ها نباید در برخی از شهرها کنسرت اجرا کنند چون با مشکل لغوشدن همراه خواهد شد. باید از گروه‌ها و خوانندگان خواست که مجوزشان بنابر شرایط شهرها صادر شود. ما در آن دوران به ضرورت فضا با یک شیب ملایم به دنبال برنامه‌ریزی و اجرای کنسرت‌ها بودیم و نتیجه این بود که کمتر با لغو مواجه می‌شدیم.

سریال می‌آمد. اما در گزارش «خانه ملت» درباره اختلاسی که نام محمد امامی نیز در آن دیده می‌شود، از یک زن به‌عنوان سرمایه‌گذار دیگر شهرزاد صحبت شده: «سخنگوی فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری مجلس با اشاره به بازداشت ۱۴ فردی که در اختلاس از صندوق فرهنگیان دست داشتند، ارتباط محمد امامی با این پرونده را اعلام کرد و البته ادعایی را طرح کرده درباره حضور همسر شهاب‌الدین غندالی، رئیس بازداشتی صندوق ذخیره فرهنگیان به‌عنوان تهیه‌کننده «شهرزاد». حسین مقصودی، سخنگوی کمیسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی هم درباره ارتباط محمد امامی با پرونده اختلاس از صندوق ذخیره فرهنگیان با این خبرگزاری گفته: «آقای امامی به همراه همسر آقای غندالی (مدیرعامل بازداشت‌شده صندوق فرهنگیان) به‌عنوان تهیه‌کنندگان سریال «شهرزاد» به صندوق ذخیره فرهنگیان مقروض بودند. با انجام بررسی‌ها مشخص است که امامی و همسر غندالی بدهی خود را از طریق واگذاری یک زمین پرداخت کردند، اما طبق مدارک موجود، مبلغ ریالی زمین واگذارشده از بدهی آنها پایین‌تر است. در واقع باید دلیل بازداشت امامی را تا آن لحظه «نحوه پرداخت بدهی خود به صندوق» بدانیم. سخنگوی کمیسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی همچنین خبر داد که تاکنون از میان ۱۴ فردی که در این اختلاس دست داشته‌اند، اسامی هفت نفر از آنها افشا شده است.

حاشیه‌های خبر این پروژه از طرف عوامل سازنده سریال بی‌پاسخ گذاشته شده و ظاهراً از طرف آنها همه چیز منوط به تعیین و تکلیف وضعیت محمد امامی است. طبق شنیده‌ها تاکنون پای سرمایه‌گذار جدید در ساخت فصل دوم سریال «شهرزاد» به میان نیامده، باید منتظر ماند و دید در روزهای آینده سرانجام حواشی این مجموعه برحاشیه چه خواهد شد.

تقدیر از کارگردان اسکاری ایران

فرهادی در آنتالیا

در این جشنواره نمایش داده شد. جایزه گلدن‌اورنج یا پرتقال طلایی این جشنواره برای فیلم «دورخچه آبی» به اومیت کوکرلی رسید که در بخش رقابت داخلی به عنوان برنده انتخاب شد. این جشنواره به افرادی که در جریان کودتای شکست‌خورده ترکیه که در ماه جولای شکل گرفت جان باختند، ادای دین کرد و از قربانیان جنگ در کشور همسایه، سوریه، نیز تجلیل شد. بازیگر ترک نیز که به عنوان بهترین بازیگر مرد جشنواره انتخاب شد جایزه خود را به جان‌باختگان سوری اهدا کرد و تأکید کرد که ما همیشه به آینده امیدواریم. جشنواره فیلم آنتالیا، از (۲۵ مهر تا دوم آبان) در آنتالیا برگزار شد.

بزرگداشت محمدرضا رستمی در پردیس چارسو

مراسم بزرگداشت محمدرضا رستمی، روزنامه‌نگار مطرح حوزه فرهنگ و هنر، در پردیس چارسو برگزار خواهد شد. جمعی از هنرمندان، اهالی عرصه فرهنگ و ادبیات، سینماگران، خانواده و دوستان این روزنامه‌نگار، «روز چهارشنبه دوازدهم آبان‌ماه» برای برگزاری مراسم بزرگداشت محمدرضا

زیر آسمان فیروزهای

رونمایی کتاب کارگردان «تهران انار ندارد» مسعود بخشی باز سراغ تهران رفت



● **شرق:** برنامه این هفته چهارشنبه‌های فیلم مستند مؤسسه آپارات‌مان (بنیچم آبان)، به نمایش فیلم «تهران انار ندارد» ساخته مسعود بخشی اختصاص دارد. در این جلسه، مجموعه داستان این کارگردان با عنوان «تهرانیا» رونمایی می‌شود. «تهران انار ندارد» مستندی انتقادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی درباره تهران و تاریخچه آن است که درعین حال، به‌واسطه موزیکال و طنزبودن فیلم، وجهی سرگرم‌کننده نیز پیدا می‌کند. مسعود بخشی مخاطب اصلی فیلم خود را مردم تهران می‌داند و اذعان دارد: در وهله اول، این فیلم را برای ۱۲ یا ۱۳میلیون‌نفری ساخته‌ام که هر روز دودوم این شهر را می‌خورند و امیدوارم این فیلم را آنها ببینند؛ چراکه این فیلم پیش از همه برای آنها ساخته شده است. «تهرانیا» نیز مجموعه هفت داستان کوتاه از مسعود بخشی است و اساما تهران «تهرانیا» واقعی‌تر از تهران واقعی است که می‌شناسیم. فیلم با جمله‌ای از کتاب آثارالبلاد اثر زکریا محمد قزوینی در قرن هفتم هجری، آغاز می‌شود: «تهران روستایی بزرگی در حوالی شهرری است که باغ‌ها و درختان میوه فراوان دارد. ساکنان آن در سرداب‌هایی زندگی می‌کنند که به لانه مورچگان می‌ماند. میوه‌هایشان نیکو و فراوان است و به‌ویژه اناری دارند که در هیچ‌یک از شهرها نظیرش یافت نمی‌شود». وقتی زکریا محمد قزوینی در قرن هفتم هجری داشت در «آثار البلاد»ش تهران را با این جملات و عبارات توصیف می‌کرد، خوایش را هم نمی‌دید، اینها مقدمه فیلم جوانی به اسم مسعود بخشی‌اش بشود و کارکرد پرتناقض و طنزآمیزی هم داشته باشد. فیلمی ۶۸دقیقه‌ای که در ایران جایزه بهترین کارگردانی از جشن خانه سینما و جشنواره فجر، جایزه تماشاگران جشنواره سینما حقیقت، نشان سیمین جایزه بزرگ شهید آوینی (ویژه برین مستندهای سال) و بسیاری جایزه دیگر را از آن خود کند.تهران انار ندارد، بالاخره در سوم تیر ۱۳۸۸، اگران عمومی خود را ابتدا در سه سینما آغاز کرد و سپس دو سینمای دیگر به این مجموعه افزوده شد و تا ۱۹ تیر ۱۳۸۸ به فروشی معادل ۱۶میلیون و ۷۳۰هزار تومان دست یافت. طرح اولیه فیلم در سال‌های ۷۸-۱۳۷۹ خورشیدی نوشته می‌شود؛ طرحی ساده درباره چند میدان مرکزی شهر که هسته، آهسته رشد می‌کند.

واکنش منتقد به مستند کیارستمی

تکان دهنده بود

● **شرق:** «جف اندرو» و «ژان میشل فردون»، از برجسته‌ترین منتقدان سینمایی، درباره مستند «۷۶دقیقه و ۱۵ ثانیه با کیارستمی» اظهارنظر کردند. به گزارش ایسنا، «جف اندرو»، منتقد و نویسنده معروف انگلیسی که مقالاتی درباره سینمای ایران دارد و کتابی نیز درباره سینمای کیارستمی از او منتشر شده، در واکنش به تماشای مستند «۷۶دقیقه و ۱۵ ثانیه با کیارستمی»، ساخته سیف‌الله صمدیان، این فیلم را اثری تکان‌دهنده و ادای احترامی زی‌با به انسانی برسته‌خواند. این منتقد سینمایی در نامه‌ای خطاب به سیف‌الله صمدیان می‌نویسد: «همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، از شنیدن خبر درگذشت کیارستمی بسیار شوکه و ناراحت شدم و آنچه بر او اتفاق افتاده بود، برای مدت‌های طولانی مرا افسرده کرد. تنها پس از گذراندن تعطیلات در کوه‌های آلپ به شرایطی رسیدم که هرروز درباره فقدان او فکر نکنم، اما هنوز هم نبود او را به‌شدت احساس می‌کنم و حتی نمی‌توانم هیچ‌یک از فیلم‌های او را دوباره ببینم، چون می‌دانم من را خیلی ناراحت می‌کند، اما حداقل امروز موفق شدم مستند ساخته شما را ببینم که با یادآورشدن خاطرات خوب، کمک بزرگی به من کرد. این فوق‌العاده بود که عباس را درحالی‌که می‌خندید، شوخی می‌کرد و حتی آواز می‌خواند، تماشا کردم». در بخش دیگری از این نامه آمده است: «آخرین‌باری که عباس را دیدم، به دسامبر سال گذشته بازمی‌کرد که با وی برای برگزاری مسترکلاسی در مراکش حضور داشتم و اوقات لذت‌بخشی را با هم سپری کردیم. باوجود اینکه او از درگذشتش یکی از دوستانش که او را همانند دخترش می‌دانست بسیار غمگین بود. او حتی ۹ فیلم کوتاه چهاردقیقه‌ای از پروژه «۲۴فریم» را به من و همسرم نشان داد. حتی آن زمان هم شرایط جسمی ایده‌آلی نداشت، اما آنچه پس از آن بر او گذشت، ضربه بسیار وحشتناکی بود. زمانی که برای اولین‌بار از بیمارستان مرخص شد و امیدوار به بهبودی بود، از طریق ایمیل در ارتباط بودیم. او هنرمند و انسانی حقیقتاً بزرگ بود و هرگز فردی شبیه به او را ندیدم. اینکه او را می‌شناختم و از دوستانش بودم، مایه افتخار است. من به‌خاطر کنارهم‌آوردن تکه‌تکه خاطرات زیباتان با عباس کیارستمی در این فیلم از شما سپاسگزارم.»